

مَجَلَّةُ اِرْمَغَانِ

شماره

هفتم

مهر ماه

۱۳۱۳ شمسی

سال

پانزدهم

اکتبر

۱۹۳۴ - مسیحی

پانزدهم بهمن ماه ۱۲۹۸ شمسی

«مدیر و نگارنده و حید دستگردی»

اشعر شعرای دو قرن اخیر کیست؟

پوشیده نیست که در میان انبوه شعرای دو قرن اخیر جمعی مانند میرزا سید علی مشتاق میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله نشاط اصفهانی، سید حسین مجتهد الشعرای مجمر، ملک الشعراء فتحعلی خان صبا، ملک الشعراء محمود خان، سید احمد هاتف، میرزا ابو الحسن یغمای جندقی، میرزا حبیب الله قآنی، میرزا صادقخان ادیب الممالک قراهانی و تنی چند دیگر از سایرین ممتاز و در نخستین صف گویندگان این دو قرن واقعند اما اینکه از عده مذکور کدام يك اشعر و از دیگران برتر است، قضیه ایست که محل خلاف و مورد تباین آراء

جمعی که بغزل بیشتر از ابواب دیگر سخن توجه خاطر می گمارند. بحسب اختلاف نظر هر يك در کیفیت و سبک غزل سرائی، میرزا سید علی مشتاق اصفهانی، یا میرزا عبد الوهاب نشاط، یا میرزا عباس فروغی، یا روشن تلگرافچی را اشعر می دانند، گروهی که هجا و انتقاد سخت و ناخوش آیند اوضاع و احوال را دوست می دارند یغمای جندقی را سرآمد گویندگان دو قرن اخیر می شمارند

آنانکه تنها باشعار عرفان آمیز متمایلند، سید احمد هاتف را بحکم ترجیح بند
مشهور و معروف وی بر دیگران ترجیح مینهند
خلاصه آنکه هر کس بیابی مخصوص از ابواب شعر چون مدح و هجاء و
مرثیت و تهنیت و حکمت و عرفان و مانند آن بحکم طبیعت راغب است، شاعر
مفلق در آن باب خاص را اشعر از دیگران و مدعای خود را عین دلیل می پندارد
و (فی الجملة در محل نزاعند و داوری)

اینک باید دانست که با این اختلاف آراء چگونه می توان قدر جامع بدست
آورد و بحکم دلیل و برهان که را باید اشعر خواند

فرض کنید بخواهیم تنها دو شاعر را باهم مقایسه کنیم

۱- اگر یکی از آن دو تنها در یک یا چند باب و دیگری در تمام یا غالب
ابواب مختلف حق سخن را ادا کرده باشد باید دارای تمام یا غالب را بر صاحب یک یا چند
فن ترجیح نهاد، و اگر شعر هر دو کلیه ابواب گوناگون شعر را حاوی
باشد، آنرا که سخن وی در کلیه یا اغلب فنون خوش آیندتر و دلپذیرتر بنظر
آید، باید اشعر شمرده (۱)

(۱) اینکه در هر یک از شیوه های گوناگون سخن چون مدح و مرثیت و غیر آن چگونه
باید سخن گفت ناشایسته خواندن و از بر کردن و مطابق تفرق سلیم و طبع مستقیم و مقبول دانشمندان
و سخن سنجان باشد، خود مبحثی مفصل و از موضوع این مقاله نیز خارج است ولی باید دانست
که اینکه مادر مقایسه دو شاعر اشمال سخن را بر موضوعات مختلفه شعرا زدلائل اشعریت شمردیم
سخنی تازه و بی سابقه نیست حکیم استاد افضل الدین ابراهیم خاقانی در خطاب بکسی که گویا استاد
عصری را از او اشعر مینداشته است گوید

چه خوش داشت طبع روان عصری
بمدوح صاحب قرآن عصری
به یک شیوه شد داستان عصری
نه سجان بتازی زبان عصری
که حرفی ندانست از آن عصری

بتریش گفتی که خاقانیا
بلی شاعری بود صاحب قرآن
زده شیوه کان شیوه شاعریت
خطیب و دیسر و مفسر نبود
نه تحقیق گفت و نه زهد و نه وعظ

بعبارة اخري و بر حسب مثل شاعر مدیح و هجا بر شاعر مدیح تنها و شاعر مدیح و هجا و مرثیت بر شاعر مدیح و هجای فقط و شاعر ده باب بر شاعر هشت باب، و شاعری که دارای ده باب سخن و هر ده باب یانه باب آن را نیکو گفته بر شاعر هر ده باب که در هشت یا هفت باب دارای شعر دلپذیر است مرجح خواهد بود و قس علی هذا

۲- پس از سنجش اشعار آن دو بنحو مذکور اگر بالفرض یکسان بر آیند باید دیگر بار در اشعار آنان نگریست و پس از ثبوت اینکه سبک و روش هیچیک از طرز و اسلوب سخن فصیح بیرون نیست توجه باین نکته داشت که کدام يك از دیگری در سخن خویش مضامین و معانی تازه بیشتر انگیزخته است، و البته اگر کسی با رعایت صحت الفاظ و حفظ روش اساتید در ادای سخن و بیان مقصود؛ که این خود شرط اول تفکیک شاعر از وزان و متشاعر است مضامین و معانی جدید ابلاغ کرده باشد از دیگری که دارای این فضیلت نیست اشعر خواهد بود (۱)

۳- اگر دیده شود که در ابواب مختلف شعر سخن مانند هم نیکو سروده و در ابتکار مضامین و معانی نیز برابرند و دست کمی از یکدیگر ندارند باید نظر کرد که شعر کدام يك بیشتر و در التزام بحور و بکار بردن قوافی دشوار چنانکه بی تکلف و مطبوع برآید توانا تر است

و آنرا که بکثرت اشعار و قدرت در نظم بحور و استعمال قوافی مشکاه برد دیگری مزیت دارد اشعر دانست و در این باب رأی قطعی داد زیرا ظاهر است

(۱) حکیم استاد نظامی در ستایش سخن خود میگوید

بر شکر او تشنه مگر / نمکس او شکر آلود کس

که بسیاری شعر با تضمن محسنات لفظی و معنوی، و همچنین استعمال قوافی دور از ذهن باوصف نزدیک ساختن آن بقبول سخن شناسان باعجاز حسن بیان خود برهان قدرت طبع؛ و دلیل براءت و مهارت گوینده در علوم ادب میباشد (۱)

اینک مزید تقریر مطالب را گوئیم
از مقدمات مذکور نتیجه اینست که در مورد حکم باشعریت شاعری از شاعر دیگر چنانکه فرض کردیم یا سنجش یک شاعر با عده بسیار از شعرا که اینک مورد بحث ماست باید سه شرط را منظور داشت

(۱) اختصاص شاعر از دیگران باشعرا شعر وی بر فنون مختلفه یا غالب شیوه های سخن یا مزیت وی بر دیگران در لطف تقریر و حسن بیان در کلیه فنون یا چند فن نظم چنانکه بتفصیل گذشت

(۲) امتیاز شعروی بکثرت مضامین بدیعه و معانی مبتکره در برابر دیگران

(۳) حصر و انفراد شاعر بسیاری اشعار نسبت بسایرین که مورد مقایسه

هستند و تفوق در استعمال قوافی و اوزان مشکل بارعایت شرایط فصاحت و بلاغت هر یک از این سه شرط کلی مقوم بجزئیاتی است که در این مقاله نمیگنجد و چون (سخن را روی با صاحب دلانست) ذکر آن نیز ضرورت ندارد اینک گوئیم:

اگر در آنچه از اشعار شعرای مسلم و متوفای دو قرن اخیر در دسترس

ماست در مقام مقایسه بچشم تأمل و از روی انصاف نظر کنیم، برعایت هر یک از سه شرط مذکور، دایره مقایسه را تنگتر و جمعی را از این مورد خارج

(۱) استاد حکیم ارحمدالدین انوری در پایان قصیده از نظر وصف شعر خود میگوید

هیچکس در یک قوافی بنده را یاری نکرد هر که بینی شعر دانست از رعیت و زرعات

نگریسته ، در پایان سنجش نخستین حکیم قآنی و ادیب المعالک فراهانی را از دیگران اشعر خواهیم دید

ولی حق مقام و مقال آنسگاه چنانکه باید ادا خواهد شد ، که مقایسه ثانوی نیز ترتیب داده در تحقیق اشعریت یکی از این دو شاعر یگانه ازدیگری با احتراز از اطناب عمل . و ایجاز محل سخن رانده آنسگاه قلم بشکنیم و کاغذ بدور افکنیم و گوئیم

سعدیا تاکی ازین نامه سیاهی کردن که قلم را بسرازدست تو سودا برخاست
بقیه دارد س ۱۰ ر

اولین مهدی و مظهر در ایران (۱)

سواد مکتوب سید محمد نوربخش بمیرزا شاهرخ کورکانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت الله تعالی سعادت محبت آل عبا نصیب بزرگترین پادشاهان زمان گرداناد و اورا بشرف حدیث من مات علی حب آل محمد ات مؤمناً برساناد و از خذلان من مات علی بغض آل محمد مات کافراً برهاناد بعد حمد الهی و صلوات قایل ارنا الاشیاء کما هی اعلام حضرت پادشاهی

میروود که بموجب قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی مودت اولاد مصطفی برعالمیان واجب و لازمست و در این زمان با اجتماع اهل بصیرت و بصارت در خاندان نبوت و ولایت فرزندی که در شریعت و طریقت و حقیقت حضرت رسالت پناهی باشد محمد نوربخش است و اگر حدیث اشراف امتی

حملة القرآن خوانند برین مظهر صادقست و اگر حدیث العلماء ورثة الانبیاء گویند برین مظهر صادقست و اگر حدیث الشیخ فی قومه کالنبی فی امته نمایند

(۱) سید محمد نور بخش در حدود چهار صد و پنجاه سال قبل دعوی مهدویت کرده و امت بسیار داشته

قبر وی هم هنوز در همدان گویا باقی و معروف بگنبد سیدان و یکی از آثار قدیمه محسوب است